

## نقش غالیان در اشتهار تهمت غلو به جابر جعفی

عباس احمدوند\*

سعید طاوسی مسرور\*\*

### چکیده

جابر بن یزید جعفی (حدود ۵۰-۱۲۸ق) از اصحاب نامدار و مورد وثوق امام باقر و امام صادق علیهما السلام و از دانشمندان بزرگ شیعه امامیه در نیمه دوم قرن اول و نیمه اول قرن دوم هجری است. با وجود اعتقاد راسخ او به مکتب اهل بیت علیهم السلام، توجه وی به بطون آیات و احادیث - که در برخی از روایات و اقوال منقول از او نیز بدان تصریح گردیده - سبب شده که غالیان وی را از پیشکسوتان خویش شمرده، از او به عنوان کسی که از اسرار، علوم الهی و مقامات معنوی و فوق انسانی امامان علیهم السلام آگاه بود، یاد کنند. سوء استفاده غالیان از نام و شخصیت وی باعث شده که برخی جابر جعفی را شبه غالی بدانند و یا او را از غالیان نیمه افراطی به شمار آورند و عده‌ای نیز به صراحت او را غالی معرفی کنند؛ حال آن که او از اتهام غلو مبرا است. اخبار منتسب به جابر جعفی در آثار غلات به خصوص نصیریبه نمونه‌هایی گویا از سوء استفاده غالیان از شخصیت او است که می‌توان آن را اصلی‌ترین عامل اشتهار وی به عنوان یک غالی نزد بدنه اصلی شیعه قلمداد نمود. کلید واژه‌ها: جابر جعفی، شیعه امامیه، غلو، غالیان، نصیریبه، رجال شناسان.

### درآمد

ابو محمد جابر بن یزید جعفی کوفی (م ۱۲۸ق)<sup>۱</sup> از اصحاب نامدار امام باقر و امام صادق علیهما السلام

\* استاد یار دانشگاه شهید بهشتی.

\*\* پژوهشگر بنیاد دائرة المعارف اسلامی و دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران.

۱. *التاریخ الکبیر*، ج ۲، ص ۲۱۰-۲۱۱؛ *تأمیر الرجال*، ج ۲، ص ۵۴۳.

است.<sup>۴</sup> از پدر و مادر و تاریخ ولادت جابر جعفری اطلاع دقیقی در دست نیست. در روایتی منقول از وی تصریح به جوان بودنش در نخستین دیدار با امام باقر علیه السلام، در زمان امامت ایشان (۹۴ - ۱۱۴ق) شده است؛<sup>۵</sup> اما این گزارش با روایت کردن وی از صحابه ای چون جابر بن عبدالله انصاری (م ۷۹ق) و اکابر تابعان سازگار نیست؛ از این رو، احتمالاً ولادت او در حدود سال ۵۰ بوده است.<sup>۶</sup> او اهل کوفه بود<sup>۷</sup> و به احتمال فراوان در سراسر عمر، جز مدت هیجده سال (بین سال های ۹۴ تا ۱۱۴ق) - که برای کسب علم از امام باقر علیه السلام در مدینه اقامت نمود -<sup>۸</sup> در کوفه می زیست و در این شهر نیز درگذشت.<sup>۹</sup>

روایات جابر به روشنی نشان می دهد که وی شیعه امامی بوده و نه تنها علاقه فراوانی به اهل بیت علیهم السلام داشته،<sup>۱۰</sup> بلکه از خلفای پیش از امام علی علیه السلام و بنی امیه نیز تبری جسته است.<sup>۱۱</sup> و<sup>۱۲</sup> بعضی از معاصران سنی او به شیعه بودن وی تصریح کرده اند.<sup>۱۳</sup> برخی از بزرگان اهل تسنن نیز او را از بزرگ ترین علما و رؤسای شیعه معرفی کرده اند.<sup>۱۴</sup>

جابر بن یزید جعفری از تابعان بوده<sup>۱۵</sup> و از برخی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، عمدتاً از ابوظبیل عامر بن وائله لثمی<sup>۱۶</sup> و جابر بن عبدالله انصاری<sup>۱۷</sup> روایت کرده است.

او از مشایخ بسیاری حدیث شنید، اما بیشتر دانش خویش را از امام باقر علیه السلام در مدینه دریافت کرده است؛ چنان که خود گفته مدت هیجده سال شاگرد آن امام علیه السلام بوده و سپس مدینه را ترک کرده و به کوفه بازگشته است.<sup>۱۸</sup> البته از بعضی گزارش ها چنین فهمیده می شود که او پس از

۴. رجال الطوسی، ص ۱۲۹، ۱۷۶.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۴۷۲؛ رجال الکشی، ص ۱۹۲ - ۱۹۳.

۶. تهذیب المقال، ج ۵، ص ۴۵ - ۴۷.

۷. المجروحین، ج ۱، ص ۲۰۸.

۸. امالی الطوسی، ص ۲۹۶.

۹. صلة تاریخ الطبری، ج ۱۱، ص ۶۴۶.

۱۰. اصل، ص ۶۰ - ۶۵؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۹۵، ۹۶، ۱۱۰؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۱۷۰، ج ۴۲، ص ۲۴۲.

۱۱. تفسیر المصباح، ج ۲، ص ۵۰، ۸۴؛ ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۳۸۴ - ۳۹۱.

۱۲. عامه و خاصه روایاتی از او در باب وجوب صلوات بر پیامبر و خاندانش در هر نماز واجب نقل کرده اند (معارف اصحاب

الحدیث، ص ۱۰۸؛ التمهید، ج ۱۶، ص ۱۹۵؛ الخلاف، ج ۱، ص ۲۷۳). از وی روایتی در مورد لعن بر بنی امیه پس از هر نماز

واجب نیز نقل شده است (تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۰۹، ۳۲۱).

۱۳. برای نمونه رک: رجال الکشی، ص ۱۹۵.

۱۴. الکاشف، ج ۱، ص ۲۸۸؛ التفسیر والمفسرون، ج ۲، ص ۳۸.

۱۵. رجال الطوسی، ص ۱۷۶.

۱۶. طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۴، ص ۱۷۸؛ نعمانی، الفیه، ص ۲۷۶.

۱۷. صدوق، لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۵؛ کفایة الاثر، ص ۶۶ - ۶۷.

۱۸. امالی الطوسی، ص ۲۹۶.

بازگشت بہ کوفہ، در ایام حج نیز بہ حضور امام علیہ السلام شرفیاب می شدہ است.<sup>۱۹</sup> او همچنین از امام صادق علیہ السلام نیز روایت کردہ،<sup>۲۰</sup> اما این روایات در مقایسہ با روایات از امام باقر علیہ السلام بسیار اندک است.<sup>۲۱</sup> از آن جا کہ جابر در زمان امامت امام ششم علیہ السلام در کوفہ مقیم بودہ، احتمالاً برای شنیدن حدیث از آن حضرت، برخی اوقات (مثلاً ایام حج) بہ مدینہ مسافرت می کردہ است.<sup>۲۲</sup>

جابر بن یزید بہ امامت امام باقر علیہ السلام اعتقاد راسخی داشت. وی از آن حضرت، با عنوان «سیدنا الامام» یاد کردہ و امام علیہ السلام را دریایی دانستہ کہ ہرگز نمی توان بہ قعر آن دست یافت.<sup>۲۳</sup> او ہنگام نقل حدیث از ایشان چنین می گفتہ است:

شنیدم از وصی اوصیا و وارث علم انبیا<sup>۲۴</sup> محمد بن علی بن الحسین علیہ السلام رابطہ وی با امام باقر علیہ السلام چنان بود کہ او را نمایندہ امام خود در کوفہ معرفی کردہ اند.<sup>۲۵</sup> ابن شعبہ خزانی، دو وصیت از امام باقر علیہ السلام بہ جابر جعفی را نقل کردہ کہ نشان دہندہ جایگاہ والای او نزد امام علیہ السلام است.<sup>۲۶</sup> از امام صادق علیہ السلام نیز روایتی صحیح در مدح او نقل شدہ است.<sup>۲۸</sup> بہ غیر از صادقین علیہ السلام، برخی از مشہورترین مشایخ جابر<sup>۲۹</sup> عبارت اند از: مجاہد بن جبر، عطاء بن ابی زبایح و عامر بن شراحیل شعبی. برخی از مہم ترین شاگردان و راویان احادیث او<sup>۳۰</sup> نیز عبارت اند از: سفیان ثوری، شعبۃ بن خجاج و عمرو بن شمر جعفی.

جابر جعفی از دانشمندان برجستہ مسلمان است<sup>۳۱</sup> و مرجعیت علمی او، مطلبی است کہ حتی مخالفان سرسخت وی نیز بدان اقرار کردہ اند؛ ہر چند شمس الدین ذہبی و صفدی، او را ضعیف و

۱۹. الکافی، ج ۱، ص ۳۹۶ - ۳۹۷.

۲۰. همان، ج ۱، ص ۲۷۱ - ۲۷۲؛ من لا یحضرہ الفقیہ، ج ۳، ص ۸۳.

۲۱. جابر بن یزید جعفی، ص ۱۸۳.

۲۲. چہارادہ نور پاک، ج ۸، ص ۱۰۵۵.

۲۳. امالی الطوسی، ص ۲۹۶.

۲۴. وصی الاوصیاء و وارث علم الانبیاء، همان تعبیری است کہ پیش از جابر، مالک اشتر، آن را در مورد امیر المؤمنین علی علیہ السلام بہ کار برد؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹.

Sec. Jafri, The Origins and Early Development of Shi'a Islam, p. 92 - 93.

۲۵. رجال الکشی، ص ۱۹۲.

۲۶. نخستین اندیشہ های شیعی، ص ۱۴۸.

۲۷. تحف المقبول، ص ۲۸۴ - ۲۸۷.

۲۸. رجال الکشی، ص ۱۹۱ - ۱۹۲؛ معجم النقات و ترتیب الطبقات، ص ۲۵.

۲۹. برای فہرست مشایخ جابر، رک: تہذیب الکمال، ج ۴، ص ۴۶۶.

۳۰. برای فہرست راویان احادیث وی رک: همان، ج ۴، ص ۴۶۶ - ۴۶۷؛ جامع الروایہ، ج ۱، ص ۱۴۴ - ۱۴۶.

۳۱. موسوعۃ طبقات الفقہاء، ج ۱، ص ۲۰۷.

رافضی خوانده‌اند،<sup>۳۲</sup> اما از وی به «معدن و منبع علم» و «مرجع علمی» تعبیر کرده‌اند. او در کوفه از جایگاه علمی والایی برخوردار بود و شیعه و سنی از او روایت می‌کردند و علما با گرایش‌های گوناگون و متفاوت از او کسب علم می‌نمودند.<sup>۳۳</sup> او در اواخر دوره اموی، یک مرجع عمده در باره علوم دینی زمانش به شمار می‌رفت، به طوری که بسیاری از دانشمندان معروف اوایل دوره عباسی، نزد وی شاگردی کرده و از او به عنوان راوی قابل اعتماد و دانشمند، روایت حدیث می‌کردند؛ حتی اگر با عقاید شیعی او موافقت نداشتند.<sup>۳۴</sup>

### علت توجه غالیان به جابر جعفی

توجه جابر به بطون آیات و احادیث<sup>۳۵</sup> - که در برخی از روایات و اقوال منقول از او نیز بدان تصریح شده - سبب گردیده که غالیان وی را از پیشکسوتان خویش شمرده،<sup>۳۶</sup> از او به عنوان کسی که از اسرار، علوم الهی و مقامات معنوی و فوق انسانی امامان علیهم‌السلام آگاه بود، یاد کنند.<sup>۳۸</sup> یکی از مشهورترین گزارش‌ها در باره جابر - که مورد توجه غالیان قرار گرفته است - چنین می‌گوید: وی بسیاری از احادیث خود را برای دیگران نقل نکرد و از سوی امامان علیهم‌السلام دستور داشت تا بسیاری از آن چه را که از ایشان شنیده بود، برای مردم آشکار نسازد.<sup>۳۹</sup> یا آن که سر خود را در چاهی در بیابان

۳۲. تاریخ الاسلام، ج ۸، ص ۵۹؛ الوافی بالوفیات، ج ۱۱، ص ۲۵.

۳۳. موسرعه طبقات الفقهاء، ج ۱، ص ۳۰۷.

34. Modarressi, Tradition and Survival... 1, pp.86 – 87.

۳۵. احتمالاً امام باقر علیه‌السلام او را به توجه در بطون آیات و روایات تشویق و ترغیب کرده است؛ بنا بر روایت برقی، روزی جابر از تفسیر آیه‌ای از امام باقر علیه‌السلام پرسش نموده و امام علیه‌السلام به او پاسخ داده و پس از مدتی بار دیگر، از همان آیه پرسش نموده و جواب دیگری شنیده است. وقتی جابر علت این اختلاف را از امام علیه‌السلام جویا شد، امام علیه‌السلام به او فرمود: «قرآن باطنی دارد و باطن آن نیز باطنی دارد و قرآن ظاهری دارد و آن ظاهر، ظاهر دیگری دارد. هیچ چیز دورتر از خرد آدمیان در تفسیر قرآن نیست...».

در روایتی دیگر از اصل جعفر بن محمد بن شریح حضرمی، امام باقر علیه‌السلام به جابر فرموده است: «حدیث ما دشوار و دشوار شده (صعب مستصعب) است. ایمان نمی‌آورد بدان مگر فرشته مقرب یا نبی مرسل یا بنده‌ای که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده است. اگر آن را فهمیدی، بپذیرید و اگر نفهمیدید آن را به ما واگذار کنید»؛ رک: اصل الحضرمی، در: الاصول ستة عشر، ص ۶۰ - ۶۱؛ المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۰؛ رجال الکشی، ص ۱۹۲ - ۱۹۴؛ در باره حدیث دشوار بودن فهم کلام آل محمد علیهم‌السلام، رک: بصائر الدرجات، ص ۴۰ - ۴۵؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸۲ - ۲۱۲؛ این گونه احادیث مورد سوء استفاده غالیان قرار گرفته است. رک: مجموع الاعیاد، ص ۵؛ ام الكتاب، ص ۱.

۳۶. برای نمونه رک: تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۴۹، ۵۰.

37. See Jafri, The Origins and Early Development of Shi'a Islam, p.302 – 303.

۳۸. رک: بحوث فی علم الاصول، ج ۱، ص ۲۸۵؛ و نیز:

Modarressi, Tradition and Survival... 1, p.89.

۳۹. رک: کمال الدین، ص ۲۵۳؛ رجال الکشی، ص ۱۹۲ - ۱۹۴؛ اختصاص، ص ۲۷۱ - ۲۷۲.

فرو برده، اسرار خویش را در چاه بازبگوید.<sup>۴۰</sup> <sup>۴۱</sup> بعید نیست که این گزارش‌ها نیز از ساخته‌های غالیان باشد؛<sup>۴۲</sup> زیرا راویان آنها، افرادی مانند یونس بن ظبیان، ابو جَمیلَه مُقْضَل بن صالح و عمرو بن شَیمر هستند که همگی از ضعفا و متهمان به غلو و تفویض به شمار می‌روند.<sup>۴۳</sup>

البته برخی روایات جابر با آن که در آنها غلو در حد ذات و صفات دیده نمی‌شود، استعداد سوء استفاده غالیان را داراست؛<sup>۴۴</sup> هر چند به جهت ضعیف بودن بیشتر راویان او و انتساب روایات ساختگی به وی از سوی غلات، نمی‌توان به طور قطع، حکم به صدور این روایات از جابر نمود.<sup>۴۵</sup> از وی، روایات فراوانی در باره معجزات پیامبر ﷺ و کرامات امامان علیهم‌السلام نقل شده است که بسیاری از آنها در میان روایات شیعی، غیر معمول است.<sup>۴۶</sup> جالب آن که زیاد بن ابی الحلال از راویان متقدم برخی روایات جابر را «اعاجیب» نامیده،<sup>۴۸</sup> ترمذی روایتی از روایات وی را «غریب» دانسته<sup>۴۹</sup> و مجلسی نیز پاره‌ای از روایات وی را از «غرائب» دانسته است.<sup>۵۰</sup> از عبد الرحمن بن شریک نخعی منقول است که نزد پدرم ده هزار حدیث غریب از جابر جعفی است.<sup>۵۱، ۵۲</sup>

### اشتهاار جابر جعفی به غلو

میزان مسئولیت واقعی جابر در مورد روایات باطنی گرا و غلو آمیز منسوب به او هر اندازه بوده

۴۰. الکافی، ج ۸، ص ۱۵۷ - ۱۵۸؛ کشی، رجال، ص ۱۹۴.

41. Modarressi, Tradition and Survival... 1, p.89.

42. Jafri, The Origins and Early Development of Shi'a Islam, p.303.

۴۳. رجال الکشی (تصحیح و تعلیق میرداماد)، ص ۴۴۷ - ۴۴۸؛ رجال النجاشی، ص ۱۲۸، ۲۸۷؛ خلاصة الاقوال، ص ۴۱۹.

۴۴. برای مثال روایت سفر سه ساعته او با امام باقر علیه السلام به «ملکوت ارض»، بصائر الدرجات، ص ۴۲۴ - ۴۲۵؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۶؛ برای نمونه‌هایی دیگر از این روایات، رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۹۶، ۴۳۲؛ منه منقبه، ص ۱۶۹؛ الخرائج والجزایع، ج ۲، ص ۶۰۴ - ۶۰۵؛ فخر الاخبار، صفات ۲۰۳ - ۲۰۴؛ تأریل الآیات، ج ۲، ص ۴۹۶ - ۴۹۷؛ خاتمة المستدرک، ج ۴، ص ۲۱۲؛ نخستین اندیشه‌های شیعی، ص ۱۸۰.

۴۵. نخستین اندیشه‌های شیعی، ص ۱۴۹ - ۱۵۰.

46. Modarressi, Tradition and Survival... 1, pp.89 - 90.

۴۷. برای نمونه‌هایی از روایات او درباره معجزات پیامبر ﷺ و کرامات امامان علیهم‌السلام و برخی از خواص اصحاب آنان، رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۹۶؛ رجال الکشی، ص ۱۴ - ۱۵؛ هیون المعجزات، ص ۶۹ - ۷۴؛ دلائل الامامة، ج ۲، ص ۹۲ - ۱۰۳، ۱۰۴ - ۱۱۲، ۲۲۰، ۲۲۴ - ۲۲۶، ۲۴۲. نواره المعجزات، ص ۲۲۰ - ۲۲۱، ۲۶۲ - ۲۶۸، ۲۸۲ - ۲۸۵؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۲۰؛ فرج المهموم، ص ۲۲۴.

۴۸. بصائر الدرجات، ص ۲۵۸.

۴۹. الجامع الصحیح (سنن)، ج ۵، ص ۳۴۶.

۵۰. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۷؛ ج ۳۰، ص ۳۰۰.

۵۱. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۷۰.

۵۲. صاحب روضات، او را در بیان اسرار و اظهار عجائب فراوان، با حسین بن منصور حلاج مقایسه کرده است (روضات الجنات، ج ۳، ص ۱۰۵).

باشد، برخی علمای شیعه بعدی از جمله شخصیت بارزی چون شیخ مفید و شاگردش، نجاشی را بر آن داشت که نه تنها در روایات او، بلکه در عقیده شخصی او هم تردید کنند و او را مختلط (فاسد العقیده و منحرف) بخوانند.<sup>۵۳</sup> تردیدهای دیگری هم در باره روایات وی در میان شیعه از دوران متقدم وجود داشت.<sup>۵۴</sup> وجود این روایات سبب شده که برخی چون سید حسین محمد جعفری، جابر جعفری را شبه غالی بدانند<sup>۵۵</sup> و یا مانند راجکوفسکی،<sup>۵۶</sup> او را از غالیان نیمه افراطی به شمار آورند<sup>۵۷</sup> و عده‌ای نیز به صراحت او را غالی معرفی کنند.<sup>۵۸، ۵۹</sup>

### رد نظریه غالی بودن جابر

با وجود این، جابر را نمی‌توان فاسد العقیده یا غالی دانست،<sup>۶۰</sup> زیرا در منابع، هیچ یک از تعبیر تند ائمه علیهم‌السلام که در مورد غالیان دیگر به کار رفته، در باب او ذکر نشده است.<sup>۶۱</sup> برخی از فرقه نگاران متقدم شیعه، او را از اتهام غلو مبرا دانسته‌اند<sup>۶۲</sup> و در میان رجالیان شیعه، حتی کسانی که او را تضعیف کرده‌اند، کسی به صراحت او را غالی نخوانده است.<sup>۶۳</sup> افزون بر این، چنان که پیش از این آمد، روایتی صحیح از امام صادق علیه‌السلام در مدح وی و تأیید عقیده‌اش وجود دارد.<sup>۶۴</sup> روایتی در *الکافی* به وضوح نشان می‌دهد که برخی روایات جابر برای عامه مردم و حتی شیعیان معاصرش، قابل پذیرش نبوده است؛ اما وقتی به یکی از ائمه علیهم‌السلام رجوع می‌کردند و از برخی روایات جابر می‌پرسیدند، امام علیه‌السلام به صدق جابر گواهی می‌داد.<sup>۶۵</sup> از مهم‌ترین علل غالی دانستن جابر جعفری وجود اخبار حاوی غلو و ارتفاع در میان روایات منسوب به اوست؛ حال آن که غلات برای مشروع

۵۳. رک: نجاشی، *رجال*، ص ۱۲۸.

۵۴. *بصائر الدرجات*، ص ۲۵۸، ۴۷۹ - ۴۸۰؛ *رجال الکشی*، ص ۱۹۱ - ۱۹۲، ۳۷۲؛ *الاختصاص*، ص ۲۰۴؛ شایان ذکر است که در *بصائر الدرجات*، ص ۲۵۸، نام مقیره بن سعید به مقیره بن شعبه، تصحیف شده است.

55. Jafri, *The Origins and Early Development of Shi'a Islam*, pp.301 - 303.

56. W.Rajkowski.

۵۷. *نخستین اندیشه‌های شیعی*، ص ۱۰۷ - ۱۰۸.

58. Farhad Daftari (1992), *The Ismailis*, p.88; E.Kohlberg (1993), "Muhammad b.'Ali Zayn al-'Abidin, Abū Dja'far, called al-Bākīr", *EI2*, VII, p.399.

۵۹. مفضل بن عمر جعفری و کتاب الصراط منسوب به او، ص ۲۹؛ قس. همو، «نگاهی به کتاب الغنوصیة فی الاسلام»، ص ۴۲.

۶۰. رک: *تهذیب المقال*، ج ۵، ص ۹۸ - ۱۰۰.

۶۱. برای نمونه‌هایی از تعبیر ائمه علیهم‌السلام در مورد غالیانی چون مقیره بن سعید، بیان، ابو منصور و ابو الخطاب، رک: *رجال الکشی*، ص ۱۹۲، ۲۲۲، ۲۹۵، ۳۰۱ - ۳۰۴، ۵۲۸ - ۵۲۹.

۶۲. *فروق الشیعه*، ص ۳۴ - ۳۵.

۶۳. *متمم المقال*، ج ۲، ص ۲۱۸ - ۲۱۹.

۶۴. *رجال الکشی*، ص ۱۹۱ - ۱۹۲.

۶۵. *الکافی*، ج ۱، ص ۳۰۷؛ و نیز رک: *بصائر الدرجات*، ص ۴۷۹ - ۴۸۰.

جلوه دادن اعتقاداتی چون تناسخ، اشباح و اظله، دور و دور... روایاتی به نقل از اصحاب نامدار ائمه علیهم السلام چون جابر بن عبد الله انصاری، جابر بن یزید جعفی و ... جعل نموده و منتشر ساختند. بدین سبب برخی احادیث سراسر مجعول غلات را روایات و اقوال خود جابر جعفی پنداشته و او را مختلط یا غالی معرفی کرده‌اند.<sup>۶۶</sup> شاید علت این که غالیان در میان اصحاب امام باقر علیه السلام بیشتر به جابر جعفی توجه کرده‌اند، حضور او در کوفه، مرکز و کانون غلو در آن دوران و معاصر بودن با غالیانی چون مغیره بن سعید، بیان بن سمان، ابو منصور عجلی و ... باشد.

در باره غالی دانستن جابر و سوء استفاده غلات از شخصیت و اخبار او، کلام محمد تقی مجلسی، شایان ذکر است:

از تتبع در اخبار جابر جعفی فهمیده می‌شود که او از اصحاب اسرار صادقین علیهم السلام بوده و کراماتی را بیان می‌کرده که عقول ضعفا تاب درک آن نداشته، بنا بر این، بعضی او را غالی دانسته و دو گروه به دو افترا زده‌اند: عامه و غلات.<sup>۶۷</sup>

خاقانی نیز، بر این نظر است که جابر از اتهام غلو مبرا است و این که بعضی او را غالی دانسته‌اند، به سبب برخی روایات اوست که متضمن مطالب بالاتر از عقول اغلب مردم است.<sup>۶۸</sup> همچنین محمد هادی معرفت، اشاره دارد که جابر در مورد جایگاه و شأن ائمه اطهار علیهم السلام عقیده‌ای راسخ و متعالی داشت و همین سبب شد که او را در زمره غلات به شمار آورند.<sup>۶۹</sup> مؤید این نظر روایتی از امام صادق علیه السلام است که امام علیه السلام ذریع محاربی را از نقل احادیث جابر برای «سفله»<sup>۷۰</sup> بر حذر داشته است.<sup>۷۱</sup> مامقانی این روایت را نه تنها ذم جابر ندانسته، بلکه آن را مدح او محسوب کرده؛ زیرا وی را عالم به معارف و حقایقی می‌داند که سفله از درک آن عاجزند.<sup>۷۲</sup>

شاید مهم‌ترین تضعیف‌کننده جابر، در میان رجالیان شیعی، نجاشی باشد که او را مختلط خوانده است.<sup>۷۳</sup> از سیاق کلام نجاشی فهمیده می‌شود که مراد او از اختلاط، بیشتر فساد عقیده و

۶۶. فرق الشیعه، ص ۲۴ - ۳۵؛ تاریخ العقیده الشیعیة و فرقهها، ص ۱۰۲ و ۱۲۲ - ۱۲۵.

۶۷. منتهی المقال، ج ۲، ص ۲۱۷ - ۲۱۸.

۶۸. رجال الخاقانی، ص ۵۶.

۶۹. التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۴۲۲.

۷۰. مردمان سست اعتقاد و مستضعف فکری است. رک: التعلیقه علی اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۲۷ - ۴۲۸.

۷۱. رجال الکشی، ص ۱۹۲، ۳۲۳؛ عبد الله بن جبلة کنانی راوی این روایت بر این نظر بوده که امام علیه السلام، خود ذریع را نیز از سفله محسوب کرده‌اند؛ حر عاملی با وجود ورود مدح و ذم ذریع در رجال الکشی مدح را مرجح دانسته و به روایتی از سن لایحضره الفقیه استشهاده کرده است. مجلسی نیز ذریع را توثیق کرده است. از این رو نمی‌توان او را از سفله محسوب نمود؛ رک: من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۵ - ۴۸۶؛ الرجال، ص ۱۱۹؛ الرجیة فی الرجال، ص ۷۸.

۷۲. برای روایتی مشابه از امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل، رک: رجال الکشی، ص ۱۹۲.

۷۳. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۰۳ - ۲۰۴.

۷۴. رجال النجاشی، ص ۱۲۸.

انحراف به سمت غلو است و نه فساد عقل. محدث نوری و موحد ابطحی - که کتاب نجاشی را شرح نموده است - از این کلام نجاشی ابراز تعجب کرده، نوشته‌اند:

عجیب است که نجاشی به اشعاری که استادش مفید در مورد اختلاط جابر خوانده، استناد می‌کند، ولی اعتماد مفید و سایر مشایخ مانند: کلینی، صدوق، طوسی و دیگران به روایات او و روایات فراوان وی در کتب متقدم و احادیث وارد شده را در مدح وی نادیده می‌گیرد.<sup>۷۵</sup>

عامل دیگری که پذیرش کلام نجاشی را دشوار می‌کند، این است که وی در این مورد به اشعار استادش مفید<sup>۷۶</sup> استناد می‌کند<sup>۷۷</sup> و مستند دیگری جز این که راویان احادیث او ضعیفا هستند، ارائه نمی‌دهد!<sup>۷۸</sup> اما خود مفید در رساله عددیه، جابر بن یزید را از فقهای دانسته که طعن و ذمی بر آنان وارد نیست.<sup>۷۹</sup>

محدث نوری و مامقانی در حل این تعارض چنین گفته‌اند که ممکن است مفید این اشعار را از باب حکایت و نه از باب اعتقاد به صدق مضمونش خوانده باشد. به نظر نوری، شاید این اشعار به مطالبی که ضعیفا به جابر نسبت داده‌اند، اشاره داشته است و بنا بر این، ضعفی متوجه جابر نمی‌شود؛ و چنان که متذکر شده‌اند، به هر حال، اکنون، شاعری که این اشعار را سروده برای ما مجهول است.<sup>۸۰</sup> واضح است که ضعیف بودن راویان احادیث جابر جعفی نیز - که نجاشی آن را دلیلی بر مختلط بودن خود وی دانسته - دلیل بر ضعف خود او نمی‌شود؛ چنان که ابن غضائری بدان تصریح کرده است.<sup>۸۱</sup>

در باره شبهه مختلط بودن جابر، بیان محدث نوری شایان توجه است. او بر این نظر است که مبنای شماری از عالمان شیعی قرون اولیه اسلامی - که جابربن یزید را توثیق نکرده‌اند - این بوده است که برخی مسائل در باره معارف در نزد آنان مُنکَر و نادرست محسوب می‌شده و معتقد به آن را گمراه و مختلط می‌دانسته‌اند؛ از جمله عالم دَرّ و أَظْلَه نزد شیخ مفید و طی الارض نزد سیدمرتضی و وجود بهشت و جهنم در زمان حاضر نزد سید رضی؛ در حالی که این معارف در عصر ما در حکم ضروریات به شمار می‌روند. بنا بر این، نسبت اختلاط دادن به وی به منزله اعتراف به دست‌یابی او به مقامات عالیه در معارف است.<sup>۸۲</sup> او در جای دیگری می‌نویسد:

۷۵. خانمہ مستدرک، ج ۴، ص ۲۱۸؛ تهذیب المقال، ج ۵، ص ۹۳؛ رک: الجامع فی الرجال، ج ۱، ص ۳۵۳.

۷۶. نجاشی نص شعر را نیاورده و تنها به مضمون آن اشاره کرده است.

۷۷. ابو علی حائری نیز استناد به اشعار در طعن جابر را از فردی مانند نجاشی غریب دانسته است؛ منتهی المقال، ج ۲، ص ۲۱۹.

۷۸. رجال النجاشی، ص ۱۲۸.

۷۹. جوابات اهل الموصول، ص ۲۵، ۲۶ - معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۳۸.

۸۰. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۰۳؛ خانمہ مستدرک، ج ۴، ص ۲۱۷ - ۲۱۸.

۸۱. خلاصه الاقوال، ص ۹۴؛ رک: تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۰۳.

۸۲. خانمہ مستدرک، ج ۴، ص ۲۱۸.



حق این است که او از راویان جلیل القدر، اعظم ثقات، بلکه از حاملان اسرار اهل بیت علیهم السلام و حافظان گنج های اخبار آنان است.<sup>۸۳</sup>

#### رجال شناسان شیعه و جابر جعفی

در میان رجالیان شیعه، نجاشی<sup>۸۴</sup> و به پیروی از او ابن داوود حلی،<sup>۸۵</sup> جابر جعفی را تضعیف کرده اند؛ اما ابن غضائری، با آن که بیشتر به جرح راویان پرداخته؛<sup>۸۶</sup> جابر را ثقه دانسته است.<sup>۸۷</sup> عبدالجلیل قزوینی رازی نیز او را از روایان و ثقات ائمه علیهم السلام معرفی کرده است.<sup>۸۸</sup>

با وجود این اختلافات در باره وثاقت و عدم وثاقت وی، محدثان، رجالیان و شرح حال نگاران متأخر امامی عموماً در صدد توثیق وی برآمده اند و روایاتی را که در نکوهش او وارد شده، توجیه کرده اند.<sup>۸۹</sup> از این میان، حر عاملی ضمن اشاره به اختلاف اقوال در باره جابر جعفی، وثاقت وی را مرجح دانسته، معتقد است که با وجود اختلافات روایات در مدح و ذم وی و این که اکثر رجالیان او را تضعیف کرده اند، آن چه از ظاهر احادیث برمی آید، مدح وی است و آن چه در ذم او وارد شده مبنی بر تقیه است.<sup>۹۰</sup> مامقانی تنها به توثیق وی اکتفا نکرده و در باره او می نویسد:

آن چه از مجموع اخبار مستفاد می شود، این است که این مرد در نهایت جلالت بوده و نزد صادقین علیهم السلام منزلتی عظیم داشته است. بلکه او اهل اسرار آن دو بزرگوار و مورد الطاف خاص و عنایت مخصوص ایشان بوده و در امری که ائمه علیهم السلام غیر از خواص آگاه به اسرار و مناقب اهل بیت علیهم السلام، بر آن امین نمی شمردند، امین آنان بوده است.<sup>۹۱</sup>

رجالی معاصر شیعه، سید ابوالقاسم خویی، تمامی علل تضعیف وی را در منابع شیعی توجیه کرده، نه تنها جابر را از ثقات جلیل القدر معرفی کرده، بلکه چون مامقانی، وی را محرم اسرار اهل

۸۳. همان، ج ۴، ص ۱۹۷.

۸۴. رجال النجاشی، ص ۱۲۸.

۸۵. رجال ابن داوود، ص ۶۱، ۲۹۹.

۸۶. منهج المقال، ج ۲، ص ۳۱۸.

۸۷. خلاصة الاقوال، ص ۹۴.

۸۸. بعض مطالب النواصب، ص ۲۰۹؛ از آن جا که عبد الجلیل قزوینی رازی خود از پیروان برجسته مکتب مفید به شمار می رود از دیدگاه مثبت وی نسبت به جابر می توان استنباط نمود که نظر نهایی مفید در باب جابر جعفی، توثیق وی بوده است؛ رک: مکتب فقه امامی ایران...، ص ۴۰ - ۴۱، ۷۴.

۸۹. الوجیزه فی الرجال، ج ۴؛ خاتمه مستدرک، ج ۴، ص ۱۹۷، ۲۱۸؛ معجم الثقات وترتیب الطبقات، ص ۲۵؛ الجامع فی الرجال، ج ۱، ص ۲۵۱ - ۲۵۲، ۳۵۳، ۹۲۹؛ رک: درنگی در شخصیت حدیثی جابر بن یزید جعفی، ص ۱۰۸ - ۱۰۹.

۹۰. الرجال، ص ۷۵؛ رسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۲۹.

۹۱. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۰۳ - ۲۰۴؛ صاحب روضات نیز جابر را صاحب درجات و منازل و حاملان اسرار اهل بیت سلام الله علیهم معرفی کرده است؛ روضات الجنات، ج ۱، ص ۲۳۶ - ۲۳۷، ج ۲، ص ۱۴۲ - ۱۴۳.

بیت علیه السلام دانسته است.<sup>۹۲</sup> شبیری زنجانی نیز، او را شیعه دوازده امامی و دانا به اسرار امام باقر علیه السلام معرفی کرده است.<sup>۹۳</sup>

وثاقت جابر جعفری نزد اکثر رجال شناسان امامی خود دلیل دیگری است بر رد شبهه غالی بودن وی. همان طور که آمد، رجالیان متأخر با دید انتقادی نسبت به نوشته های برخی متخصصان متقدم نگریده اند و چون مستندی قوی در غالی دانستن جابر نیافته اند حکم به وثاقت جابر نموده اند.

### ابعادی از چهره اسطوره ای جابر جعفری نزد غالیان

چنان که آمد، توجه جابر به باطن آیات و روایات سبب شد که او در میان غالیان منتسب به شیعه از محبوبیت خاصی برخوردار شود تا آن جا که غالیان خود را به وی منتسب می کردند و از وی به بزرگی یاد می نمودند.<sup>۹۴</sup> روایتی که به روشنی منشأ غالیانه ای دارد، مقام جابر را نزد امامان برابر با مقام سلمان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می داند؛<sup>۹۵</sup> چنان که مقام داوود بن کثیر رقی غالی<sup>۹۶</sup> را مساوی با مقام مقداد ذکر کرده است.<sup>۹۷</sup> غالیان کراماتی نیز به جابر نسبت داده اند.<sup>۹۸</sup>

روایات غیر معمول جابر جعفری در مورد معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و کرامات امامان علیهم السلام، نمونه های مشابهی در آثار فرقه های غالی افراطی دارد که از جریان اصلی شیعه امامی طرد شده بودند؛ برای مثال، می توان نمونه هایی را در کتاب *الهدایة الکبری* حسین بن حمدان خصبی ملاحظه کرد.<sup>۹۹</sup> مواردی هم در آثار غلات از جابر نقل شده است که در آثار جریان اصلی شیعه امامی، وارد نشده است.<sup>۱۰۰</sup> علاوه بر این، در آثار غلات، افکار باطنی صرف<sup>۱۰۱</sup> مانند وجود پیشین ارواح

۹۲. معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۴۴ - ۳۴۵.

۹۳. الجامع فی الرجال، ج ۱، ص ۳۵۲.

۹۴. در مورد برخی روایاتی که غالیان به جابر نسبت داده اند، رک:

Halm, Die Islamische Gnosis, pp.96 - 112; Modarressi, Tradition and Survival... 1, p.93.

۹۵. برای روایتی غالیانه به نقل از جابر جعفری در فضیلت سلمان، رک: نفس الرحمن فی فضائل سلمان، ص ۲۶۸ - ۲۶۹.

۹۶. در مورد وی، رک: معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۱۲۶ - ۱۲۷.

۹۷. الإختصاص، ص ۲۱۶: رجال النجاشی، ص ۱۵۶: رک: Modarressi, Tradition and Survival... 1, p.89.

۹۸. روایتی دیگر با منشأ غالیانه از رجال الکشی، می گوید که علم ائمه علیهم السلام به چهار نفر منتهی می شد که عبارت اند از: سلمان فارسی، جابر [جعفری]، ...، رک: رجال الکشی، ص ۴۸۵؛ منتهی المقال، ج ۲، ص ۲۱۹؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۰۳؛ و نیز:

Modarressi, Tradition and Survival... 1, p.89.

۹۹. رک: «اصول»، در: الاصول سنة عشر، ص ۸۰: رجال الکشی، ص ۱۹۵ - ۱۹۸؛ خاتمة مستدرک، ج ۴، ص ۲۰۵.

۱۰۰. الهدایة الکبری، ص ۱۲۸ - ۱۲۹، ۱۶۰، ۲۱۵ - ۲۱۶، ۲۲۴ - ۲۲۵، ۲۳۲، ۲۳۹ - ۲۴۰.

۱۰۱. همان، ص ۴۱ - ۴۳، ۷۰، ۷۲ - ۷۳، ۱۲۴، ۱۵۳ - ۱۵۴.

۱۰۲. در باره مقالات باطنی غالیان، رک: تاریخ العقیده الشیعیة و ترقیها، ص ۱۱۳ - ۱۱۸.

آدمیان<sup>۱۰۳</sup> به شکل ادوار و اکوار به جابر منسوب شده است.<sup>۱۰۴</sup> همچنین پیشگویی هایی در باره حوادث آینده در روایات جابر به چشم می خورد که به احتمال فراوان از ساخته های غلات است؛ برای نمونه می توان به روایاتی اشاره کرد که نزاع های داخلی خاندان عباسی و حوادثی دیگر را پیشگویی می کند<sup>۱۰۵</sup> و یا روایتی دیگر که قیام ابو السرایا را در سال ۱۹۹ق، پیشگویی می کند.<sup>۱۰۶</sup> دفن امام رضا علیه السلام در خراسان،<sup>۱۰۷</sup> حفر کانال آب کوفه در زمان منصور عباسی،<sup>۱۰۸</sup> امارت منصور بن جمهور بر کوفه<sup>۱۰۹</sup> و خلافت عمر بن عبد العزیز،<sup>۱۱۰</sup> از دیگر پیشگویی های منسوب به جابر است.<sup>۱۱۱</sup> عجیب آن که در تاریخ یعقوبی نیز، ماجرای عجیب ملاقات قحطبه، یکی از رجال دولت عباسی در اواخر دولت بنی امیه، با جابر جعفی و خبر دادن جابر از آینده قحطبه، نقل شده است.<sup>۱۱۲</sup>

در میان روایات منسوب به وی، روایاتی وجود دارد که با حقایق معروف تاریخی ناسازگار است؛ برای نمونه یکی از آنها نشان می دهد که امام باقر علیه السلام در زمان امامت خود، جابر را گسیل می دارد تا جابر بن عبد الله انصاری صحابی معروف پیامبر صلی الله علیه و آله را به حضور ایشان فراخواند تا در باره موضوعی شهادت دهد.<sup>۱۱۳</sup> جالب آن جاست که این صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله سال ها قبل از امامت امام باقر علیه السلام به سال ۷۹ (یا ۷۷ و یا ۷۸ ق)، درگذشته بود.<sup>۱۱۴</sup>

نسبت های دروغ به جابر، امری غیر عادی نیست؛ چنان که در نخستین سال های پس از وفات جابر، عبد الله بن حارث، رهبر پیروان عبد الله بن معاویه طالبی - که پس از قتل او به این مقام رسید - افکار و اندیشه های غالیانه ای (مانند اعتقاد به تناسخ، اظله و دور)<sup>۱۱۵</sup> را مطرح کرده و

۱۰۳. در باره این نکته به طور کلی رک: حضرمی، اصل، در: الاصول ستة عشر، ص ۶۸؛ بصائر الدرجات، ص ۳۷۶ - ۳۷۷؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۴۲.

104. Modarressi, Tradition and Survival... 1, p.90.

۱۰۵. الفتن، ص ۱۱۸؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۴ - ۶۶.

۱۰۶. مقاتل الطالبیین، ص ۳۴۸.

۱۰۷. عین اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۸.

۱۰۸. الهدایة الکبری، ص ۱۲۸ - ۱۲۹؛ الخرائج والجرائع، ج ۲، صفحات ۷۵۴ - ۷۵۵؛ برای تحریر دیگری از این خبر، رک: رجال الکشی، ص ۱۹۸.

۱۰۹. الکافی، ج ۱، ص ۳۹۶ - ۳۹۷.

۱۱۰. مشارق انوار الیقین، ص ۱۳۸.

۱۱۱. ممکن است برخی از این روایات، مانند پیشگویی دفن امام رضا علیه السلام در خراسان به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتی اصیل و به دور از دستکاری غلات باشد.

۱۱۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۴۲ - ۳۴۴.

۱۱۳. الخرائج والجرائع، ج ۲، ص ۵۸۹ - ۵۹۳.

۱۱۴. تهذیب المقال، ج ۵، ص ۴۷.

۱۱۵. مقالات الاسلامیین، ص ۶.

مدعی شد جابر بن عبدالله انصاری و جابر جعفی نیز دارای همین آرا بوده‌اند؛ حال آن که به تصریح نوبختی این دو از چنین اتهامی مبرا هستند.<sup>۱۱۴</sup> متنی به نام *رساله الجعفی* نیز - که باور بر آن است که نظریات جابر جعفی را در باره معتقدات اسماعیلیه در بر دارد و در آن، جابر راوی عمده سخنان امام باقر علیه السلام است؛ به احتمال فراوان هیچ ارتباطی با وی ندارد و به دروغ بدو منسوب شده است؛<sup>۱۱۸</sup> زیرا اصولاً نمی‌توان در دوران حیات جابر، بحثی از اسماعیلیه مطرح نمود.<sup>۱۱۹</sup> نمونه‌ای دیگر کتاب *انیس السمراء و جلیس السمراء* است که شیخ احمد آحسائی (۱۱۶۶ - ذی القعدة ۱۲۴۱ق) در شرح زیارت جامعه کبیره فراوان از آن نقل کرده است. در این کتاب احادیث متعددی از طریق عمرو بن شمر به جابر جعفی منتهی می‌شود که اوایل اسناد آنها «مجاهیل» است. این احادیث به احتمال فراوان از افزوده‌های غلات در روایات جابر است.<sup>۱۲۰</sup>

در میان غالیان، نصیریّه (نُصیریّه) توجه خاصی به جابر جعفی دارند و نام او در آثار نصیریّه فراوان به چشم می‌خورد.<sup>۱۲۱</sup> آنان جابر را «باب» امام صادق علیه السلام می‌دانند.<sup>۱۲۲</sup> هر چند در برخی آثار غیر نصیری جابر باب امام باقر علیه السلام معرفی شده است؛<sup>۱۲۳</sup> اما نصیری‌ها یحیی بن معمر بن ام طویل را باب امام باقر علیه السلام می‌دانند.<sup>۱۲۴</sup> حسین بن حمدان خصیبی<sup>۱۲۵</sup> (۲۶۰ - ۳۴۶ یا ربیع الاول

۱۱۶. *المقالات والفرق*، ص ۴۳؛ *فرق الشیعة*، ص ۳۴ - ۳۵؛ رک: *غلات در دو قرن اول هجری*، ص ۱۰۵ - ۱۰۷.

117. Modarressi, *Tradition and Survival...*, 1, pp 90 - 91.

۱۱۸. رک: *نخستین اندیشه‌های شیعی*، ص ۱۴۹ - ۱۵۰؛ و نیز:

Jafri, *The Origins and Early Development of Shi'a Islam*, p.302 - 303.

۱۱۹. رک: *کلیات فی علم الرجال*، ص ۴۰۹ - ۴۱۰.

۱۲۰. *هدیه المعارفین*، ج ۱، ص ۱۸۵؛ *الدریمة*، ج ۲۶، ص ۶۶.

۱۲۱. فرقه‌ای نام گرفته از ابو شعیب محمد بن نصیر فیهری نُصیری که در زمان حیات امام هادی علیه السلام ادعا کرد که آن حضرت خداست و او را به پیامبری مبعوث نموده است. او به حلول، تناسخ و اباحه محارم و خصوصاً هم جنس بازی اعتقاد داشت. به نوشته طوسی او پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ادعا کرد که باب امام زمان عجل الله فرجه الشریف است و با جهل و الحاد که از او بروز یافت، مورد لعن ابو جعفر محمد بن عثمان قرار گرفت. نصیریّه در حقیقت تنها جریان باقی مانده از غلات عراق است که در دوران غیبت صفرا شکل گرفته، هر چند تلفیقی از سنت جریان‌های مختلف غلات پیشین است. رک: *المقالات والفرق*، ص ۱۰۰ - ۱۰۱؛ *فرق الشیعة*، ص ۹۳ - ۹۴؛ *الغیبة للطوسی*، ص ۳۹۸؛ *تاریخ المعیة الشیعیة و فرقه‌ها*، ص ۱۱۰؛ *الفرقة الهامشیة فی الاسلام*، ص ۹۴ - ۹۷، ۱۱۲ - ۱۱۹؛ در باره گزارش و تحلیل جرح و تضعیف محمد بن نصیر در منابع شیعه. رک: همان، ص ۹۸ - ۱۰۷.

۱۲۲. برای نمونه رک: *الهیة الشریف*، ص ۱۱۹، ۱۹۲؛ *الهدایة الکبری*، ص ۴۱، ۶۵، ۱۶۰، ۱۹۵، ۲۳۹، ۳۳۹، ۳۷۶ - ۳۷۷، ۳۸۱.

۱۲۳. *الهیة الشریف*، ص ۲۰.

۱۲۴. برای نمونه رک: *تاریخ اهل البیت علیهم السلام*، ص ۱۴۸؛ *الدر النظیم*، ص ۶۰۳؛ *الفصول المهمة*، ج ۲، ص ۸۸۳؛ *خاتمة مستدرک*، ج ۴، ص ۲۱۲ - ۲۱۳؛ *تقیح المقال*، ج ۱، مقدمه، ص ۱۹۰؛ *مدرسی*، باب را از اصطلاحات غلات می‌داند، رک:

Modarressi, *Tradition and Survival...* p.89.

۱۲۵. *الهیة الشریف*، ص ۲۰.

۳۵۸ق) ۱۲۲ که می‌توان او را مؤسس مذهب نصیرییه دانست،<sup>۱۲۸</sup> به سند خود از امام صادق علیه السلام روایتی عجیب در باره جابر جعفی نقل کرده است:

او را جابر نامیدند، زیرا مؤمنان را به کسب علم از خویش وادار ساخت. او دریایی است که تمامی ندارد و او باب علم در روزگار خود بود و حجت بر مردم از جانب حجت خدا، ابو جعفر محمد بن علی علیه السلام.<sup>۱۲۹</sup>

در مقدمه الهفت الشریف نیز - که از زاویه دید نصیرییه است - از جابر جعفی با عنوان یکی از برجسته‌ترین راویان علم باطن یاد شده و گفته شده است که امام صادق علیه السلام علم فراوانی را روزی وی ساخت.<sup>۱۳۰</sup>

یکی از آشکارترین نمونه‌های ابراز علاقه نصیرییه را نسبت به جابر می‌توان در کتاب مجموع الاعیاد اثر ابوسعید میمون بن قاسم طبرانی نصیری (۳۵۸ - ۴۲۶ق) <sup>۱۳۱</sup> دید. او در این کتاب، ده «عید عربی» را معرفی کرده که از این میان دو عید به جابر جعفی اختصاص دارد و در یکی از این اعیاد جابر از جانب امام باقر علیه السلام به عنوان حجت خدا بر اهل زمین و آسمان تعیین شده است.<sup>۱۳۲</sup> همچنین وی زیارت نامه‌ای از محمد بن نصیر نمیری نقل کرده که در آن، جابر با عبارت «قلوب عارفان از او استوار شد»<sup>۱۳۳</sup> مورد تمجید قرار گرفته است.<sup>۱۳۴</sup> در این کتاب، پس از نام جابر عبارت «علینا سلامه» (سلام او بر ما) آمده است.<sup>۱۳۵</sup> جالب آن جاست که در متون غلات، این عبارت و تعبیری مشابه، مانند «علینا منه السلام» (سلام او بر ما باد) و «منه السلام» (سلام از او باد) و «منه الرحمة» (رحمت وی بر ما باد) در مورد ائمه اطهار علیهم السلام به کار رفته است.<sup>۱۳۶</sup> این اشتراک بین احترام

۱۲۶. نجاشی به فساد مذهب وی تصریح کرده و ابن غضائری علاوه بر این او را کذاب و صاحب مقاله ملعونه معرفی کرده است؛ رجال النجاشی، ص ۶۷؛ رجال ابن الفضائری، ص ۵۴.

۱۲۷. ۳۴۶ هـق به روایت نصیرییه و ۳۵۸ هـق به روایت امامیه است (الفرقة الهامشیه فی الاسلام، ص ۱۲۵).  
۱۲۸. همان، ص ۱۲۰ - ۱۳۳.

۱۲۹. انما سمی جابر لانه جبر المؤمنین بعلمه، و هو بحر لا ینزح، و هو الباب فی دهره، و الحجة علی الخلق من حجة الله ابي جعفر محمد بن علی علیه السلام (خانمه مستدرک، ج ۴، ص ۲۱۳).

۱۳۰. الهفت الشریف، ص ۳۸.

۱۳۱. در مورد وی، رک: الفرقة الهامشیه فی الاسلام، ص ۱۳۵.

۱۳۲. مجموع الاعیاد، ص ۵ - ۷.

۱۳۳. «جبرت به قلوب العارفین».

۱۳۴. همان، ص ۵۹.

۱۳۵. همان، ص ۳۲.

۱۳۶. این در حالی است که برای افرادی چون حسین بن حمدان خصیبی از عباراتی چون رضی الله عنه و قدس الله روحه به کار می‌برند؛ در مورد امام علی علیه السلام؛ مولای امیر المؤمنین منه الرحمة و منه السلام؛ در مورد امام حسین علیه السلام؛ مولانا الحسین منه السلام؛ در مورد امام باقر علیه السلام؛ باقر العلم علینا منه السلام؛ در مورد امام صادق علیه السلام؛ مولانا الصادق علینا سلامه

به جابر و ائمه علیهم السلام نشان از جایگاه رفیع جابر جعفی در میان نصیریه دارد. از نظر آنان، او پس از ائمه علیهم السلام بالاترین مقام را داراست و از سوی امام باقر علیه السلام، به عنوان حجت خدا معرفی شده است.<sup>۱۳۷</sup> در اوایل کتاب *مجموع الاعیاد* هر یک از ایام ذکر شده در قرآن کریم بر شخصی تطبیق شده است؛ برای نمونه «یوم یقوم الناس لرب العالمین»<sup>۱۳۸</sup> بر امام علی علیه السلام، «یوم لا یغنی مؤئی عن مؤلی شیئاً ولا هم ینصرون»<sup>۱۳۹</sup> بر امام حسین علیه السلام، «یوم عصب»<sup>۱۴۰</sup> بر ابوذر، «یوم التناد»<sup>۱۴۱</sup> بر قنبر، «یوم الأزفة»<sup>۱۴۲</sup> بر محمد بن حنفیه، «یوم ترجف الراجفة»<sup>۱۴۳</sup> بر مفضل بن عمر و «یوم تمور السماء مورا»<sup>۱۴۴</sup> بر جابر جعفی.<sup>۱۴۵، ۱۴۶</sup>

در کتاب *الأسوس* از متون این فرقه نیز، روایتی از جابر بن یزید - که افراط شدید در غلو در آن موج می‌زند - آمده است که بخش‌هایی از آن به قرار زیر است:

... از عالم [امام باقر یا امام صادق علیهما السلام] خطبه‌ای شنیدم که در ابتدای آن، خود را مخلوق و در انتهای آن خود را خدای یکتا معرفی کرد. در حالی که در فکر بودم، فرمود: ای جابر، «من خداوند بزرگ بلند مرتبه و خیر بزرگ هستم ... و راه راست و کوه بلند و عروة الوثقی ...»<sup>۱۳۷</sup> و بدانچه می‌کنید، محیط هستم ... سپس فرمود: «من بزرگ بلند مرتبه، یکتای ازلی، معنای حقایق و پنهان از اندیشه‌ها هستم؛ غایت من درک نشود و کسی به معنای من نرسد و من بلند مرتبه بزرگواری هستم ...»<sup>۱۳۸</sup> و جز قلیلی ما را نشناختند».<sup>۱۳۹</sup>

از دیگر متون نصیری - که در آن اقوال فراوانی به جابر بن یزید منسوب شده است - می‌توان از

وموالی الصادق منه السلام؛ در مورد امام جواد علیه السلام؛ السید محمد بن علی الرضا منه السلام؛ در مورد امام هادی علیه السلام؛ علی بن محمد صاحب العسکر علیتنا سلامه؛ در مورد امام زمان علیه السلام؛ القائم منه السلام؛ در مورد همه ائمه علیهم السلام؛ عن الموالی منه السلام (رک: *مجموع الاعیاد*، ص ۶، ۱۲، ۱۵، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۶۴، ۱۹۷، ۲۰۶؛ *ام الکتاب*، ص ۳).

۱۳۷. *مجموع الاعیاد*، ص ۶.

۱۳۸. سوره مطففین، آیه ۶.

۱۳۹. سوره دخان، آیه ۴۱.

۱۴۰. سوره هود، آیه ۷۷.

۱۴۱. سوره غافر، آیه ۳۲.

۱۴۲. سوره غافر، آیه ۱۸.

۱۴۳. سوره نازعات، آیه ۶.

۱۴۴. سوره طور، آیه ۹.

۱۴۵. *مجموع الاعیاد*، ص ۷ - ۱۰.

۱۴۶. در این کتاب خبری طولانی از گفتگوی جابر با امام صادق علیه السلام تحت عنوان «کتاب شرح السبعین الذین لا یتنجسون و نعت نعتهم و اجناسهم و اصنافهم» آمده است (همان، ص ۲۸ - ۴۹).

۱۴۷. الله العلی الکبیر و النبی العظیم ... صراط مستقیم و جبل منیع و عروة الوثقی ...

۱۴۸. انا العلی الکبیر، الأحد القدیم معنی الحقائق و غیب العقول، لا أدرك بغایة، و لا احد بمعنی، و انا العلی العظیم ...

۱۴۹. *الفرقة الهاشمية فی الاسلام*، ص ۵۲۳ - ۵۴۴.

رساله محمود بعمرة بن حسین نصیری (م قرن ۱۳ق) نام برد.<sup>۱۵۰</sup> همچنین باید از *م کتاب یاد کرد* که به جهان بینی غالیان، به خصوص نصیریه بسیار نزدیک است<sup>۱۵۱</sup> و بخش هایی از آن حاوی مکاشفاتی است که به جابر جعفی نسبت داده شده است<sup>۱۵۲</sup> و ظاهراً هیچ ارتباطی با وی ندارد.<sup>۱۵۳</sup> در *م کتاب* نام جابر جعفی در کنار افرادی چون عبد الله انصاری، جعفر جعفی (؟)<sup>۱۵۴</sup> و صعصعة بن صوحان (؟)<sup>۱۵۵</sup> به عنوان «روشنیان»<sup>۱۵۶</sup> معتقد به الوهیت امام باقر علیه السلام<sup>۱۵۷</sup> ذکر شده است.<sup>۱۵۸</sup>

### نتیجه

از آنچه آمد روشن شد که سوء استفاده غلات از شخصیت چهره موجهی چون جابر جعفی، باعث لکه دار شدن نام وی گردید؛ چنان که برخی رجالیان شیعه در وثاقت او تردید کردند و برخی صاحب نظران وی را به صراحت غالی معرفی نمودند؛ حال آن که با بررسی دقیق تر معلوم گردید که جابر بن یزید جعفی از اتهام غلو مبرا است. اخبار منتسب به جابر جعفی در آثار غلات به خصوص نصیریه نمونه هایی گویا از سوء استفاده غالیان از شخصیت اوست که منجر به تخریب وجهه وی در بین بدنه اصلی شیعه گردید.

### کتابنامه

اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، محمد بن عمر کشی، [تلخیص:] ابو جعفر محمد بن حسن

۱۵۰. این رساله به تحقیق ر. شتروپمان (R. Strothman) منتشر شده است، در:

Estorische Sonderthemen Bei Den Nusairi, Berlin, 1978.

رک: الفرقة الهاشمية فی الاسلام، همان، ص ۴۶۴.

۱۵۱. در باره این کتاب، رک: ه ام الکتاب، ص ۲۲۲ - ۲۲۴.

Halm, Die Islamische Gnosis, pp.113 - 198; W.Ivanow, "Ummu'l - Kitāb", Der Islam, pp.1 - 15.

۱۵۲. رک: م کتاب، ص ۱۳ - ۱۶ و ۲۰ - ۲۰؛ در این باره رک:

Halm, Die Islamische Gnosis, pp.139 - 198.

153. See.Jafri, The Origins and Early Development of Shi'a Islam, p.302 - 303.

۱۵۴. شاید مراد از وی، فردی به نام جعفر بن ابراهیم جعفی باشد که نام او در شمار اصحاب امام باقر علیه السلام آمده است؛ طوسی، رجال، ص ۱۲۹.

۱۵۵. صعصعه از اصحاب امیر المؤمنین علی علیه السلام بوده و امام باقر علیه السلام را درک نکرده است؛ رک: طوسی، همان، ص ۶۹؛ طرغفب المقال، ج ۲، ص ۸۹.

۱۵۶. در این کتاب منظور از این اصطلاح کسانی هستند که به نور امامان علیهم السلام هدایت شدند و به خدایی آن بزرگواران عارف گشتند. یعنی کسانی که از دیدگاه بدنه اصلی شیعه غالیانی گمراه هستند و در کفر و نجاست آنان تردیدی نیست؛ برای نمونه رک: مستند الشیعة، ج ۱، ص ۲۰۴؛ مختصر الأحکام، ص ۹.

۱۵۷. در مجموع الاعیاد، جابر جعفی از امام باقر علیه السلام با عنوان «باقر النور» یاد کرده است. مجموع الاعیاد، ص ۸۹.

۱۵۸. م کتاب، ص ۹ - ۱۰.

- طوسی، به کوشش: حسن مصطفوی، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
- ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن علی بن محمد دیلمی، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
- الاختصاص، [منسوب به] محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (شیخ مفید)، به کوشش: علی اکبر غفاری و سید محمود زرنندی، بیروت: دارالمفید، دوم، ۱۴۱۴ق.
- الأمالی، أبو جعفر محمد بن حسن طوسی، قم: دارالثقافة، اول، ۱۴۱۴.
- التاريخ الكبير، محمد بن اسماعیل بخاری، دیاربکر: المكتبة الاسلامية، بی تا.
- التعليقة على اختيار معرفة الرجال، میرداماد سید محمد باقر حسینی استرآبادی، دز: اختیار معرفة الرجال، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، به کوشش: سید مهدی رجایی، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
- التفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: مكتبة علمية اسلامية، ۱۳۸۰ق.
- التفسیر والمفسرون، محمد حسین ذهبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۳۹۶ق.
- التفسیر والمفسرون، محمد هادی معرفت، مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة، اول، ۱۴۱۸ق.
- التمهید، ابو عمر یوسف بن عبد الله بن عبد الیر، به کوشش: مصطفی بن احمد علوی و محمد عبد الكبير بکری، مغرب: وزارة عموم الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، ۱۳۸۷ق.
- التوحید، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
- الجامع الصحیح (سنن)، محمد بن عیسی ترمذی، به کوشش: عبد الوهاب عبد اللطیف و عبد الرحمن محمد عثمان، بیروت: دارالفکر، دوم، ۱۴۰۳ق.
- الجامع فی الرجال، سید موسی [شبییری] زنجانی، قم: کتابخانه پیروز، ۱۳۹۴ق.
- الخرائج والجرائح، أبو الحسین سعید بن هبة الله قطب راوندی، به کوشش: سید محمد باقر موحد ابطاحی، قم: مؤسسة الامام المهدي عجل الله فرجه الشریف، اول، ۱۴۰۹ق.
- الخلاف، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، اول، ۱۴۰۷ق.
- الدرالتظیم، جمال الدین یوسف بن حاتم عاملی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، [بی تا].
- الذریعة الی تصانیف الشيعة، آقا بزرگ محمد محسن تهرانی، علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۳ق.
- الرجال، علی خاقانی، به کوشش: سید محمد صادق بحر العلوم، قم: مكتب الإعلام الاسلامی، دوم، ۱۴۰۴ق.
- الرجال، محمد بن حسن حر عاملی، به کوشش: علی فاضلی، قم: دار الحدیث، اول، ۱۳۸۵ش.



- الغيبة، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، به کوشش: عباد الله طهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية، اول، ۱۴۱۱ق.
- الغيبة، محمد بن ابراهيم نعمانی، به کوشش: فارس حسون کریم، قم: انوار الهدی، اول، ۱۴۲۲ق.
- الفرقة الهامشية في الاسلام، منصف بن عبد الجليل، بيروت: دارالمدار الاسلامي، اول، ۲۰۰۵م.
- الفصول المهمة في معرفة الائمة، ابن صباغ مالکی علی بن محمد بن احمد مکی، به کوشش: سامی الغریبی، قم: دار الحديث، اول، ۱۴۲۲ق.
- الكاشف في معرفة من له الرواية في الكتب الستة، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن احمد ذهبی، به کوشش: محمد عوامة و احمد محمد نمر الخطيب، جده: دار القبلة للثقافة الاسلامية و مؤسسة علوم القرآن، اول، ۱۴۱۳ق.
- الكافي، كلینی، محمد بن یعقوب، تصحيح و تعليق: علی اكبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامية، ۱۳۶۳ش.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، به کوشش: سيد جلال الدين حسینی محدث، تهران: دارالکتب الاسلامية، اول، ۱۳۷۱ق.
- المعجم الاوسط، ابو القاسم سليمان بن احمد طبرانی، قاهره: دارالحرمين، ۱۴۱۵ق.
- المقالات والفرق، سعد بن عبد الله اشعری قمی، به کوشش: محمد جواد مشکور، تهران: مركز انتشارات علمی و فرهنگي، ۱۳۶۱ش.
- الوافي بالوفيات، صلاح الدين خليل بن ايبك صفدي، به کوشش: احمد الأرنؤوط و تركي مصطفى، بيروت: دار احياء التراث، ۱۴۲۰ق.
- الوافي بالوفيات، صلاح الدين خليل بن ايبك صفدي، به کوشش: احمد الأرنؤوط و تركي مصطفى، بيروت: دار احياء التراث، ۱۴۲۰ق.
- الوجيزة في الرجال، محمد باقر مجلسي، به کوشش: محمد كاظم رحمان ستايش، تهران: سازمان و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، اول، ۱۴۲۰ق.
- الهداية الكبرى، ابو عبد الله حسين بن حمدان خصيبی، بيروت: مؤسسة البلاغ، چهارم، ۱۴۱۱ق.
- الهفت الشريف، منسوب به مفضل بن عمر جعفی، به کوشش: مصطفى غالب، [بی جا]: دار الاندلس، ۱۹۶۴م.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار، محمد باقر مجلسي، به کوشش: محمد باقر بهبودی و عبد الرحيم رباني شيرازي و ديگران، بيروت: مؤسسة الوفاء و دار احياء التراث العربي، دوم، ۱۴۰۳ق.

- بحوث في علم الاصول: مباحث الحجج والاصول العملية، سيد محمد باقر صدر، به كوشش: سيد محمود هاشمي [شاهرودى]، قم: مركز الغدير للدراسات الاسلامية، دوم، ۱۴۱۷ق.
- بعض مطالب التواصب في نقض بعض فضائح الروافض، نصير الدين ابوالرشيد عبدالجليل قزويني رازي، تصحيح: مير جلال الدين محدث ارموي، تهران: انجمن آثار ملي، اول، ۱۳۵۸ش.
- تاريخ الاسلام، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن احمد ذهبي، به كوشش: عمر عبد السلام تدمري، بيروت: دار الكتاب العربي، اول، ۱۴۰۷ق.
- تاريخ العقيدة الشيعية وفرقها، زنجاني، فضل الله بن نصر الله زنجاني، به كوشش: غلام علي غلام علي پور (يعقوبي)، مشهد: مجمع البحوث الاسلامية، اول، ۱۴۲۸ق.
- تاريخ اليمقوبي، احمد بن ابى يعقوب بن واضح، بيروت: دار صادر، بى تا، افست قم: مؤسسه نشر فرهنگ اهل بيت عليهم السلام، بى تا.
- تاريخ اهل البيت عليهم السلام، به كوشش: سيد محمد رضا حسيني، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، اول، ۱۴۱۰ق.
- تاريخ مدينة دمشق، ابوالقاسم علي بن حسن بن عساكر، به كوشش: علي شيرى، بيروت: دار الفكر، اول، ۱۴۱۵ق.
- تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، شرف الدين علي حسيني استرآبادى نجفى، به كوشش: سيد محمد باقر موحد ابطحي اصفهاني، قم: مدرسة الامام المهدي، اول، ۱۴۰۷ق.
- تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه ابو محمد حسن بن علي بن حسين حراني، به كوشش: علي اكبر غفاري، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، دوم، ۱۴۰۴ق.
- تنقيح المقال في علم الرجال، عبدالله مامقاني، طبع قديم به خط احمد بن محمد حسين زنجاني، [بى جا]: [بى نا]: [بى تا].
- تهذيب الاحكام، ابو جعفر محمد بن حسن طوسى، به كوشش: سيد حسن موسوى خراسان، تهران: دارالكتب الاسلامية، چهارم، ۱۳۶۵ش.
- تهذيب الكمال في أسماء الرجال، جمال الدين ابو الحجاج يوسف مزى، به كوشش: بشار عواد معروف و شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، سوم، ۱۴۰۸ - ۱۴۰۹ق.
- تهذيب المقال في تنقيح كتاب رجال النجاشي، سيد محمد علي موحد ابطحي، قم: سيد محمد موحد ابطحي، اول، ۱۴۱۷ق.
- جامع الرواة، محمد بن علي اردبيلي، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، ۱۴۰۳ق.
- جوابات اهل الموصل في العدد والرؤية، محمد بن محمد بن نعمان بغدادى (شيخ مفيد)، به

- کوشش: مهدی نجف، بیروت: دار المفید، دوم، ۱۴۱۴ق.
- چهارده نور پاک، [عبدالرحیم] عقیقی بخشایشی، قم: انتشارات نوید اسلام، اول، ۱۳۸۱ش.
- خاتمة مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، اول، ۱۴۱۶ق.
- خلاصة الأقول فی معرفة الرجال، ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی حلی، به کوشش: جواد قیومی [اصفهانى]، [قم]: مؤسسة نشر الفقاهة، اول، ۱۴۱۷ق.
- دلائل الامامة، ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری، قم: مؤسسة البعثة، اول، ۱۴۱۳ق.
- رجال ابن الغضائری، احمد بن حسین غضائری، تحقیق: سید محمد رضا جلالی، قم: دار الحدیث، اول، ۱۴۲۲ق.
- رجال ابن داود، تقی الدین حسن بن علی بن داوود حلی، به کوشش: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: مطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ق.
- رجال الطوسی، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، اول، ۱۴۱۵ق.
- رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
- روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، سید محمد باقر موسوی خوانساری اصفهانی، بیروت: الدار الاسلامیة، اول، ۱۴۱۱ق.
- شعار اصحاب الحدیث، ابو احمد محمد بن محمد بن احمد بن اسحاق حاکم کبیر نیشابوری کرایسی، به کوشش: عبدالعزیز بن محمد سرحان، کویت: دار الخلفاء، [مجدد] بیروت: دار البشائر الاسلامیة، اول، ۱۴۰۵ق.
- طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، سید علی اصغر بن سید محمد شفیق جابلقی بروجردی، به کوشش: سید مهدی رجایی و سید محمود مرعشی، قم: مکتبة آية الله العظمى المرعشى النجفی، اول، ۱۴۱۰ق.
- عیون اخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، تصحیح و تعلیق: شیخ حسین اعلمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
- عیون المعجزات، حسین بن عبد الوهاب، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۶۹ق.
- غرر الاخبار و درر الآثار فی مناقب ابی الائمة الاطهار، حسن بن ابی الحسن علی بن محمد دیلمی، به کوشش: اسماعیل ضیفم همدانی، قم: دلیل ما، اول، ۱۴۲۷ق.
- غلات در دو قرن اول هجری، رقیه میرابو القاسمی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه

- تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۷ش.
- فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، سید رضی الدین ابو القاسم علی بن موسی بن طاووس حلی، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۳ش.
- فرق الشیعة، ابو محمد حسن بن موسی نوبختی، به کوشش: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: المكتبة المرتضوية، ۱۳۵۵ق.
- قاموس الرجال، محمد تقی شوشتري (تستری)، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ق.
- کتاب الفتن، ابو عبد الله نعیم بن حماد مروزی، به کوشش: سهیل زکار، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
- کتاب المعجروحين، ابن حبان، ابی حاتم محمد، به کوشش: محمود ابراهیم زاید، مکه: دار الباز، [بی تا].
- کفایة الاثر، علی بن محمد خزاز قمی، به کوشش: سید عبد اللطیف حسینی کوه کمری خوبی، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
- کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، سوم، ۱۴۱۴ق.
- کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق.
- مائة منقبة، ابوالحسن محمد بن احمد بن شاذان قمی، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۷ق.
- مختصر الأحكام، سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، قم: دار القرآن الکریم، [بی تا].
- مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، احمد بن محمد مهدی نراقی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، اول، ۱۴۱۵ق.
- مشارق انوار الیقین فی اسرار امیر المؤمنین، رجب برسی، به کوشش: سید علی عاشور، بیروت: مؤسسة الاعلمی، اول، ۱۴۱۹ق.
- معجم الثقات و ترتیب الطبقات، ابو طالب تجلیل تبریزی، به کوشش: سید حسین موسوی، قم: مطبعة مهر استوار، بی تا.
- معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم موسوی خوئی، [بی جا]: [بی نا]، پنجم، ۱۴۱۳ق.
- مقاتل الطالبیین، ابو الفرج علی بن حسین اصفهانی، به کوشش: کاظم مظفر، قم: دار الکتب، دوم، ۱۳۸۵.
- مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، ابو الحسن علی بن اسماعیل اشعری، به کوشش: هلموت ریتز، ویسبادن: دار النشر فرانز شتاینر، سوم، ۱۴۰۰ق.
- مکاتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پای گیری مکتب حله، احمد پاکتچی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، اول، ۱۳۸۵ش.

- من لا يحضره الفقيه، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، به کوشش: علی اکبر غفاری، قم: موسسه نشر الاسلامی، دوم، ۱۴۰۴ق.
- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب مازندرانی، ابو عبد الله محمد بن علی، نجف: مطبعة حیدریه، ۱۳۷۶ق/۱۹۵۶م.
- منتهی المقال فی احوال الرجال، ابو علی محمد بن اسماعیل حائری مازندرانی، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، اول، ۱۴۱۶ق.
- موسوعة طبقات الفقهاء، جعفر سبحانی، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۲۰ق.
- میزان الاعتدال، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن احمد ذهبی، به کوشش: علی محمد بجاوی، بیروت: دار المعرفة، اول، ۱۳۸۲ش.
- نخستین اندیشه های شیعی: تعالیم امام محمد باقر (ع)، ارزینا آر لالانی، ترجمه: فریدون بذره ای، تهران: فرزانه روز، اول، ۱۳۸۱ش.
- نفس الرحمان فی فضائل سلمان، حسین نوری طبرسی، به کوشش: جواد قیومی اصفهانی، تهران: مؤسسه الآفاق، اول، ۱۴۱۱ق.
- نوادر المعجزات، ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری، به کوشش: باسم محمد اسدی، قم: دلیل ما، اول، ۱۴۲۷ق.
- وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، الحزب العاملی، محمد بن الحسن، تحقیق: جواد الشهرستانی، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۲۴ق.
- هدیة العارفين، اسماعیل باشا بغدادی، استانبول: وكالة المعارف، ۱۹۵۵م، افست بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
- «اصل»، جعفر بن محمد بن شریح حضرمی، در: الاصول الستة عشر، قم: دار الشبستری للمطبوعات، دوم، ۱۴۰۵ق.
- «ام الكتاب»، در: "Ummul-kitab", edited by W.Ivanow, Der Islam, 1936.
- «ام الكتاب»، علی اشرف صادقی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، اول، ۱۳۸۰ش، ج ۱۰، صفحات ۲۳۲-۲۳۴.
- «جابر بن یزید جعفری»، نعمت الله صفری فروشانی، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، اول، ۱۳۸۴ش، ج ۹، صفحات ۱۸۱ تا ۱۸۴.
- «درنگی در شخصیت حدیثی جابر بن یزید جعفری»، علی رضا هزار، علوم حدیث، شماره ۲۴ (تابستان ۸۱)، صفحات ۹۸-۱۱۵.
- «صلة تاریخ الطبری»، عرب بن سعد قرطبی، در: تاریخ الامم والملوک، ابو جعفر محمد بن جریر

- طبری، به کوشش: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، دوم، ۱۳۸۲-۱۳۸۷ق.
- «مجموع الاعیاد»، میمون بن قاسم طبرانی نصیری، در:
- «مفضل بن عمر جعفی و کتاب الصراط منسوب به او»، محمد کاظم رحمتی، کتاب ماه دین، شماره های ۱۰۲ و ۱۰۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵.
- «نگاهی به کتاب الغنوصیة فی الاسلام»، محمد کاظم رحمتی، کتاب ماه دین، شماره های ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۰۶، خرداد، تیر و مرداد ۱۳۸۵.
- Daftari, Farhad (1992), *The Ismailis: Their history and doctrines*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Halm, Heinz (1982), *Die Islamische Gnosis: die extreme Schia und die Alawiten*, Zurich - Munchen: Artemis.
- Ivanow, W.(1936), "Ummul-kitab", *Der Islam*.
- Jafri, S.Husain M.(1981), *The Origins and Early Development of Shi'a Islam*, London and New York: Longman.
- Kohlberg, Etan (1993), "Muhammad b.'Alī Zayn al-'Ābidīn, Abū Dja'far, called al-Bākir", *EI2*, VII, pp.397 \_ 400.
- Modarressi, Hossein (2003), *Tradition and Survival a bibliographical survey of early Shi'ite literature*, Oxford: One World.
- Tiberias, Maimun Ibn el-Kasim, "Festkalender der Nusairier", by R.Strothman, *Der Islam*, 1946, Vol XXVII.